

بررسی اثربخشی رفتارهای نامتعارف والدین و چگونگی تأثیرات آن بر ساختار روحی و روانی کودک

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

رضا شیری

چکیده

هدف این مقاله تبیین چستی رفتارهای نامتعارف والدین و تحلیل مسیرهای اثرگذاری آن بر ساختار روانی کودک است؛ ساختاری که شامل تنظیم هیجان، سبک دلبستگی، خودپنداره، کارکردهای اجرایی، الگوهای شناختی، و ظرفیت برقراری رابطه ایمن با دیگران می‌شود. در این نوشتار، رفتار نامتعارف به مجموعه‌ای از کنش‌های والدینی اطلاق می‌شود که به شکل پایدار یا پرتکرار از الگوهای تربیتی سالم فاصله می‌گیرند و نیازهای رشدی کودک را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تضعیف می‌کنند؛ مانند بی‌ثباتی عاطفی، کنترل‌گری افراطی، طرد و بی‌اعتنایی، تحقیر، تنبیه بدنی، تهدید، شرمسارسازی، والدگری‌سازی کودک، یا درگیری‌های مزمن زناشویی در حضور کودک. مقاله با رویکرد مروری تحلیلی، نخست مفاهیم و مرزبندی‌ها را روشن می‌کند، سپس چارچوب‌های نظری اثرگذاری را شرح می‌دهد و در ادامه پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت را در حوزه‌های هیجانی، شناختی، رفتاری و بین‌فردی بررسی می‌نماید. همچنین نقش عوامل میانجی و تعدیل‌گر مانند خلق‌وخو، سن رشدی، جنسیت، حمایت اجتماعی، وضعیت اقتصادی اجتماعی، و کیفیت رابطه والد کودک تبیین می‌شود. در پایان، یک الگوی مفهومی یکپارچه و پیشنهادها برای پیشگیری و مداخله ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: رفتار نامتعارف والدین، سلامت روان کودک، دلبستگی، تنظیم هیجان،

کارکردهای اجرایی، سبک‌های فرزندپروری، آسیب روانی، تاب‌آوری

مقدمه

کودکی دوره‌ای است که در آن، مغز و روان انسان با سرعتی کم‌نظیر در حال سازمان‌یابی است و تجربه‌های روزمره، نه فقط بر رفتارهای آشکار، بلکه بر معماری عمیق دستگاه هیجانی و شناختی اثر می‌گذارند. خانواده نخستین بستر اجتماعی کودک است و والدین، به‌عنوان چهره‌های اصلی مراقبت، نقش تنظیم‌کننده بیرونی را برای هیجان‌ها، نیازها و تعارض‌های کودک بر عهده دارند. وقتی این تنظیم‌کنندگی بیرونی پایدار، همدلانه و قابل پیش‌بینی باشد، کودک به تدریج توان تنظیم درونی را می‌آموزد و حس امنیت، ارزشمندی و کارآمدی در او شکل می‌گیرد. اما اگر کنش‌های والدینی مکرراً نامتعارف، متناقض، تهدیدآمیز یا تحقیرکننده باشند، کودک با محیطی مواجه می‌شود که در آن پیش‌بینی‌پذیری کاهش یافته و احساس امنیت شکننده می‌گردد. این وضعیت می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای دفاعی، باورهای منفی درباره خود و دیگران، و سبک‌های ناسازگارانه تنظیم هیجان منجر شود.

در بسیاری از جوامع، از جمله جوامع در حال گذار، فشارهای اقتصادی، فرسودگی والدینی، بحران‌های رابطه‌ای، و الگوهای فرهنگی ناپیوسته می‌توانند احتمال ظهور رفتارهای نامتعارف را افزایش دهند. از سوی دیگر، مرز میان «خطای تربیتی عادی» و «رفتار نامتعارف آسیب‌زا» همیشه روشن نیست؛ زیرا برخی رفتارها ممکن است در کوتاه‌مدت اثر آشکاری نداشته باشند اما در بلندمدت بر نظام معنایی کودک اثر بگذارند. هدف این مقاله آن است که با زبان علمی و در عین حال قابل استفاده برای پژوهشگران و متخصصان بالینی، مفهوم رفتارهای نامتعارف والدین را دقیق‌تر کند، مکانیزم‌های اثرگذاری آن را توضیح دهد و پیامدها را در سطوح مختلف ساختار روانی کودک تحلیل نماید.

بخش اول: بیان مسئله

در ادبیات تربیتی و روان‌شناختی، درباره سبک‌های فرزندپروری و پیامدهای آن‌ها پژوهش‌های گسترده‌ای انجام شده است، با این حال همچنان چند مسئله بنیادی پابرجاست. نخست آنکه بسیاری از خانواده‌ها رفتارهایی را «عادی» تلقی می‌کنند که در واقع در مرز آسیب قرار دارد؛ مانند شرمسارسازی به عنوان ابزار تربیت، تهدید به ترک کردن کودک برای کنترل رفتار، یا نادیده گرفتن هیجان‌های کودک با شعار «مرد که گریه نمی‌کند» یا «این حرف‌ها لوس‌بازی است». دوم آنکه برخی رفتارهای نامتعارف به صورت منفرد رخ نمی‌دهند، بلکه خوشه‌ای از کنش‌ها هستند؛ برای مثال والد کنترل‌گر ممکن است همزمان از تحقیر کلامی، محدودسازی افراطی، و نظارت مزمن استفاده کند. در این حالت، تحلیل اثرگذاری نیازمند نگاه شبکه‌ای به تعاملات خانوادگی است. سوم آنکه پیامدهای رفتارهای نامتعارف همواره فوری و آشکار نیست؛ کودک ممکن است در ظاهر «مطیع» و «کم‌حاشیه» باشد، اما در درون با اضطراب، احساس بی‌ارزشی، یا دشواری در شناخت و نام‌گذاری هیجان‌ها زندگی کند.

مسئله دیگر، پیچیدگی رابطه علی است. نمی‌توان هر مشکل روان‌شناختی کودک را صرفاً به رفتار والدین نسبت داد؛ زیرا خلق‌وخو، ژنتیک، رویدادهای مدرسه، همسالان و زمینه اجتماعی نیز دخیل‌اند. با این حال، نقش والدین در ایجاد یا کاهش آسیب، از آن جهت برجسته است که والدین هم می‌توانند منبع فشار باشند و هم می‌توانند مهم‌ترین منبع ترمیم و حمایت محسوب شوند. بنابراین پرسش اصلی مقاله چنین صورت‌بندی می‌شود: رفتارهای نامتعارف والدین چگونه و از چه مسیرهایی بر ساختار روحی و روانی کودک اثر می‌گذارند، و چه شرایطی شدت یا ضعف این اثرها را تعیین می‌کند.

بخش دوم: مفهوم‌سازی رفتارهای نامتعارف والدین

۱- تعریف عملیاتی و مرزبندی مفهومی

رفتار نامتعارف والدین در این مقاله به الگوهای رفتاری پایدار یا پرتکراری اشاره دارد که در آن والد به شکل معنادار از پاسخ‌دهی حساس، حمایت هیجانی، هدایت رشدی و احترام به کرامت کودک فاصله می‌گیرد. این رفتارها الزاماً به معنای اختلال روان‌پزشکی در والد نیستند و می‌توانند نتیجه فشارهای محیطی، سبک‌های تربیتی بین‌نسلی، یا ناآگاهی باشند. تفاوت اصلی رفتار نامتعارف با خطاهای گذرای تربیتی در تداوم، شدت، و پیامدهای انباشتی آن است. گاهی یک رفتار به ظاهر کوچک، اگر به شکل مکرر تکرار شود، اثر ساختاری بر روان کودک می‌گذارد؛ مانند مقایسه دائمی با خواهر و برادر یا همسالان.

۲- گونه‌شناسی رفتارهای نامتعارف

رفتارهای نامتعارف را می‌توان در چند دسته کلی دید. دسته نخست رفتارهای طردکننده و بی‌اعتناست؛ مانند نادیده گرفتن نیازهای عاطفی، پاسخ ندادن به درخواست کمک، یا سردی مزمن. دسته دوم رفتارهای کنترل‌گرانه افراطی است؛ شامل محدودسازی شدید، دخالت دائمی، تهدید، و محرومیت‌های نامتناسب. دسته سوم رفتارهای تحقیرکننده و شرمسارساز است؛ مانند برچسب زدن، مسخره کردن، و کوچک کردن. دسته چهارم رفتارهای پرخاشگرانه و تنبیهی است؛ شامل فریادهای مکرر، تنبیه بدنی، یا ارباب. دسته پنجم بی‌ثباتی و تناقض در رفتار است؛ یعنی والد گاهی بسیار مهربان و گاهی به شدت خشمگین و غیرقابل پیش‌بینی است. دسته ششم، مرزهای نقش را به هم می‌ریزد؛ مثل والد‌گری‌سازی کودک یا درگیر کردن کودک در تعارض‌های زناشویی.

۳- رفتار نامتعارف در بافت فرهنگی

هرگونه داوری درباره نامتعارف بودن رفتار والدین باید به بافت فرهنگی حساس باشد، اما حساسیت فرهنگی نباید به معنای نادیده گرفتن آسیب باشد. برخی هنجارهای فرهنگی ممکن است رفتارهای تنبیهی یا شرمسارسازی را «تربیت» قلمداد کنند، ولی معیار رشدی نشان می‌دهد که کرامت روانی کودک و نیازهای هیجانی او مستقل از فرهنگ، اهمیت بنیادین دارند. تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند در شکل بروز رفتارها اثرگذار باشد؛ برای مثال کنترل‌گری ممکن است در یک فرهنگ به صورت نظارت تحصیلی شدید رخ دهد و در فرهنگ دیگر به صورت محدودیت اجتماعی. اما در هر دو حالت، اگر پیامد مشترک، تضعیف خودمختاری و افزایش اضطراب باشد، می‌توان آن را در دامنه رفتارهای نامتعارف بررسی کرد.

بخش سوم: چارچوب‌های نظری تبیین اثرگذاری

۱- نظریه دلبستگی و تجربه امنیت روانی

نظریه دلبستگی نشان می‌دهد که کودک از طریق تعامل با مراقب اصلی، الگوی درونی از «خود» و «دیگری» می‌سازد. والد حساس و قابل اتکا به کودک می‌آموزد که هیجان‌ها قابل تحمل‌اند و رابطه، مکان امن است. در مقابل، رفتارهای طردکننده یا غیرقابل پیش‌بینی می‌تواند به دلبستگی ناایمن منجر شود؛ کودک یا به شکل مضطربانه به رابطه می‌چسبد و از رهاشدگی می‌ترسد، یا به شکل اجتنابی از نزدیکی عاطفی فاصله می‌گیرد و نیازهایش را سرکوب می‌کند. در برخی شرایط شدید، الگوی آشفته شکل می‌گیرد که در آن کودک همزمان به والد نزدیک می‌شود و از او می‌ترسد، و این تناقض می‌تواند بستر مشکلات تنظیم هیجان و رفتارهای گسسته باشد.

۲- یادگیری اجتماعی و الگوگیری از والدین

در چارچوب یادگیری اجتماعی، کودک رفتارهای والدین را مشاهده می‌کند و می‌آموزد چگونه با تعارض، ناکامی و هیجان برخورد کند. وقتی والد با خشم، تحقیر یا تهدید مسئله را حل می‌کند، کودک می‌آموزد قدرت یعنی ارباب، یا رابطه یعنی کنترل. همچنین کودک ممکن است نسبت به خود گفتار درونی والد را درونی‌سازی کند؛ یعنی تحقیر بیرونی به مرور تبدیل به خودانتقادی درونی شود. در این مسیر، رفتارهای نامتعارف نه فقط پیامدهای فوری دارند، بلکه الگوهای پایدار شناختی و رفتاری تولید می‌کنند.

۳- مدل‌های تنظیم هیجان و نقش والد به عنوان تنظیم‌گر بیرونی

در سال‌های اولیه، کودک برای آرام شدن به کمک والد نیاز دارد. والد از طریق در آغوش گرفتن، نام‌گذاری هیجان، همدلی و هدایت، هیجان کودک را تنظیم می‌کند. وقتی والد خود بی‌ثبات است یا هیجان کودک را تهدید تلقی می‌کند، فرصت یادگیری تنظیم هیجان از بین می‌رود. کودک ممکن است به جای تنظیم سالم، به راهبردهای ناسازگارانه روی آورد؛ مانند سرکوب، انفجار خشم، اجتناب، یا بی‌حسی هیجانی. نتیجه می‌تواند دشواری در مدیریت اضطراب، پرخاشگری، یا حتی علائم جسمانی مرتبط با استرس باشد.

۴- دیدگاه بوم‌شناختی و فشارهای ساختاری

رفتار والدین در خلأ شکل نمی‌گیرد. فشارهای اقتصادی، ناامنی شغلی، فقدان حمایت اجتماعی، یا تنش‌های محله و مدرسه می‌تواند ظرفیت والد برای پاسخ‌دهی حساس را کاهش دهد. دیدگاه بوم‌شناختی کمک می‌کند که رفتار نامتعارف را همزمان در سطح فردی و ساختاری ببینیم. این نگاه، مسئولیت‌گریزی ایجاد نمی‌کند، بلکه امکان طراحی مداخلاتی را

فراهم می‌سازد که علاوه بر آموزش والدگری، به کاهش استرس و افزایش حمایت نیز توجه می‌کند.

بخش چهارم: مرور ادبیات پژوهشی

۱- سبک‌های فرزندپروری و پیامدهای کلی

مطالعات گسترده درباره سبک‌های فرزندپروری نشان داده‌اند که سبک مقتدرانه که ترکیبی از گرمی و قاطعیت است، معمولاً با پیامدهای مطلوبی مانند خودتنظیمی بهتر، عزت نفس بالاتر و سازگاری اجتماعی همراه است. در مقابل، سبک استبدادی که کنترل بالا و گرمی پایین دارد، اغلب با اضطراب، خودارزشمندی شکننده و اطاعت مبتنی بر ترس مرتبط می‌شود. سبک سهل‌گیر می‌تواند به مشکلات مرزبندی و کنترل تکانه منجر شود و سبک طردکننده یا غفلت‌گر، خطر مشکلات رفتاری و عاطفی را افزایش می‌دهد. این یافته‌ها زمینه‌ای فراهم می‌کند تا رفتارهای نامتعارف را به صورت دقیق‌تر در طیف سبک‌ها و ریزرفتارها تحلیل کنیم.

۲- تنبیه بدنی، پرخاشگری و سلامت روان

پژوهش‌های فراتحلیلی نشان داده‌اند که تنبیه بدنی با افزایش پرخاشگری کودک، مشکلات برون‌ریزی، و نیز افزایش خطر مشکلات درون‌ریزی مانند اضطراب و افسردگی مرتبط است. نکته مهم این است که تنبیه بدنی علاوه بر اثر مستقیم، رابطه والد کودک را نیز مخدوش می‌کند؛ کودک در تعامل با والد دچار دوگانگی می‌شود و برای پیشگیری از تنبیه، ممکن است به دروغ‌گویی، پنهان‌کاری یا کناره‌گیری روی آورد. این فرآیندها می‌توانند به تدریج اعتماد و امنیت رابطه‌ای را کاهش دهند.

۳- بدرفتاری هیجانی و شکل‌گیری باورهای هسته‌ای

بدرفتاری هیجانی مانند تحقیر، تهدید، یا بی‌اعتنایی نسبت به احساسات کودک، در بسیاری از موارد کمتر دیده می‌شود زیرا نشانه‌های کبودی و جراحت ندارد. با این حال آثار آن بر خودپنداره و طرحواره‌های شناختی می‌تواند عمیق باشد. کودکی که مرتباً «بی‌عرضه» خطاب می‌شود یا احساساتش مسخره می‌گردد، ممکن است باورهای هسته‌ای مانند «من دوست‌داشتنی نیستم» یا «اگر اشتباه کنم طرد می‌شوم» را درونی کند. این باورها بعداً در روابط دوستانه، تحصیلی و عاطفی بازتولید می‌شود.

۴- تعارض زناشویی، امنیت هیجانی و علائم کودک

تعارض زناشویی مزمن به ویژه وقتی با فریاد، تحقیر یا تهدید همراه است، امنیت هیجانی کودک را تضعیف می‌کند. کودک ممکن است خود را مسئول دعوا بداند یا برای جلوگیری از فروپاشی خانواده، نقش میانجی بگیرد. این وضعیت با افزایش اضطراب، مشکلات خواب، افت تمرکز و مشکلات رفتاری گزارش شده است. در اینجا رفتار نامتعارف الزاماً رفتار مستقیم با کودک نیست، بلکه فضای هیجانی خانه به عنوان زمینه رشد، نقش تعیین‌کننده دارد.

۵- والدگری‌سازی کودک و بار روانی پنهان

والدگری‌سازی زمانی رخ می‌دهد که کودک مسئولیت‌هایی را بر عهده می‌گیرد که متناسب با سن او نیست؛ مانند حمایت هیجانی از والد افسرده، تصمیم‌گیری‌های بزرگ خانوادگی، یا مراقبت مزمن از خواهر و برادر به شکلی که نقش کودکی را از او می‌گیرد. چنین کودکی ممکن است در ظاهر «بزرگ‌تر از سن» و «مسئولیت‌پذیر» باشد، اما در درون با احساس گناه،

فرسودگی، و دشواری در شناخت نیازهای خود مواجه می‌شود. پیامدهای بلندمدت می‌تواند شامل مشکل در مرزبندی، انتخاب رابطه‌های نابرابر، یا اضطراب مزمن باشد.

بخش پنجم: سازوکارهای اثرگذاری بر ساختار روانی کودک

۱- اثر بر سیستم استرس و حساسیت به تهدید

رفتارهای نامتعارف، به‌ویژه آن‌هایی که با ترس و غیرقابل پیش‌بینی بودن همراه‌اند، می‌توانند سیستم استرس کودک را مزمن فعال کنند. در چنین شرایطی، کودک به تهدید حساس‌تر می‌شود و مغز به جای تمرکز بر یادگیری و اکتشاف، انرژی بیشتری را صرف پایش خطر می‌کند. پیامد احتمالی می‌تواند گوش‌به‌زنگی، تحریک‌پذیری، مشکلات خواب و دشواری تمرکز باشد. این مسئله در محیط مدرسه نیز اثر می‌گذارد و کودک ممکن است به اشتباه به عنوان «بی‌توجه» یا «بی‌انضباط» برچسب بخورد.

۲- اثر بر تنظیم هیجان و زبان هیجانی

کودک برای مدیریت هیجان نیاز دارد که هیجان را بشناسد، نام‌گذاری کند و راهبرد مناسب بیابد. والدانی که هیجان را سرکوب می‌کنند یا با خشم پاسخ می‌دهند، عملاً زبان هیجانی را فقیر می‌سازند. کودک به جای گفتن «ترسیده‌ام» یا «ناراحتم»، ممکن است به رفتارهای بدنی یا پرخاشگرانه متوسل شود. در برخی موارد نیز کودک به سمت بی‌حسی هیجانی می‌رود؛ یعنی برای کاهش درد، ارتباطش را با احساسات قطع می‌کند. این الگو در نوجوانی می‌تواند به رفتارهای پرخطر یا دشواری در صمیمیت عاطفی منجر شود.

۳- اثر بر خودپنداره و عزت نفس

خودپنداره کودک از آینه تعامل با والدین شکل می‌گیرد. اگر بازخورد والد عمدتاً تحقیرآمیز، مقایسه‌ای یا شرطی باشد، کودک ارزش خود را وابسته به عملکرد می‌بیند. در این حالت، اشتباه مساوی با بی‌ارزشی تلقی می‌شود. این الگو در مدرسه به صورت اضطراب امتحان، کمال‌گرایی فرساینده یا اجتناب از تلاش ظاهر می‌شود. برخی کودکان برای دفاع، نقاب «بی‌خیالی» می‌زنند و پشت آن، ترس از ناکافی بودن پنهان می‌شود.

۴- اثر بر کارکردهای اجرایی و خودکنترلی

کارکردهای اجرایی مانند برنامه‌ریزی، کنترل تکانه و انعطاف‌پذیری شناختی، تحت تأثیر امنیت و آرامش محیط رشد هستند. در فضای پرتنش، کودک کمتر فرصت تمرین خودکنترلی دارد، زیرا ذهنش درگیر بقا و مقابله است. همچنین والد نامتعارف ممکن است یا بیش از حد کنترل کند و فرصت استقلال ندهد، یا رها کند و ساختار لازم را فراهم نکند. هر دو حالت می‌تواند به دشواری در تصمیم‌گیری، مدیریت زمان و کنترل رفتار منجر شود.

۵- انتقال بین‌نسلی و چرخه‌های تکرار شونده

یکی از جنبه‌های مهم، انتقال بین‌نسلی سبک تعامل است. والدینی که خود در کودکی با تحقیر، تنبیه یا بی‌اعتنایی رشد کرده‌اند، ممکن است همان الگوها را بازتولید کنند، حتی اگر به صورت آگاهانه مخالف آن باشند. این انتقال لزوماً قطعی نیست و با آگاهی، درمان و حمایت اجتماعی قابل تغییر است. اما اگر تغییر رخ ندهد، چرخه‌ای شکل می‌گیرد که در آن کودک امروز، والد فردا می‌شود و همان شیوه را ادامه می‌دهد.

بخش ششم: پیامدهای رفتاری و روان شناختی در دوره های رشدی

۱- پیامدهای دوره پیش دبستانی

در سال های اولیه، پیامدها بیشتر به صورت بی قراری، مشکلات خواب، اضطراب جدایی، چسبندگی افراطی یا پر خاشگری مشاهده می شود. کودکانی که پاسخ دهی والد را غیر قابل پیش بینی تجربه می کنند، ممکن است در جدایی های کوتاه دچار آشفتگی شوند یا در بازی، مضامین تهدید و کنترل را تکرار کنند. در این سن، رفتار کودک زبان روان اوست و گاهی لازم است به جای تمرکز صرف بر «رفتار بد»، پیام هیجانی پشت رفتار شنیده شود.

۲- پیامدهای دوره دبستان

در دبستان، کودک وارد میدان ارزیابی اجتماعی می شود. اگر در خانه مدام تحقیر شده یا امنیت نداشته باشد، ممکن است در مدرسه یا گوشه گیر شود یا برای کسب قدرت، رفتار سلطه جویانه نشان دهد. افت تمرکز، اجتناب از مشارکت کلاسی، ترس از اشتباه، و حساسیت بالا به انتقاد از نشانه های رایج است. در همین دوره، کودک برای ساختن دوستی های پایدار نیاز به اعتماد و مهارت ارتباطی دارد؛ اما تجربه رابطه ناایمن در خانه می تواند او را یا بیش از حد وابسته کند یا بیش از حد فاصله گیر.

۳- پیامدهای دوره نوجوانی

نوجوانی زمان شکل گیری هویت و استقلال است. والد کنترل گر افراطی ممکن است مقاومت شدید نوجوان را برانگیزد یا نوجوان را وابسته و ناتوان از تصمیم گیری بار آورد. همچنین نوجوانی که در کودکی شرمسارسازی شده، ممکن است در برابر کوچک ترین ناکامی

فروبریزد یا برای پنهان کردن آسیب‌پذیری، به رفتارهای پرخطر و نمایش قدرت روی آورد. مشکلات تنظیم هیجان می‌تواند به رفتارهای تکانشی، مصرف مواد، خودآسیب‌رسانی یا روابط ناسالم منجر شود. در این مرحله، نقش همسالان پررنگ می‌شود، اما کیفیت پیوند خانوادگی همچنان تعیین‌کننده است.

بخش هفتم: عوامل میانجی و تعدیل‌گر

۱- خلق‌وخو و حساسیت فردی

کودکان از نظر حساسیت زیستی و خلق‌وخو متفاوت‌اند. برخی کودکان نسبت به تنش محیطی واکنش شدیدتری نشان می‌دهند و زودتر مضطرب یا تحریک‌پذیر می‌شوند. در مقابل، برخی کودکان ممکن است کمتر واکنش بیرونی نشان دهند اما آسیب را در قالب کناره‌گیری یا بی‌حسی درونی تجربه کنند. بنابراین یک رفتار نامتعارف ممکن است در دو کودک پیامدهای متفاوتی ایجاد کند.

۲- سن و مرحله رشدی

اثر یک رفتار به زمان وقوع آن نیز وابسته است. بی‌ثباتی عاطفی در سال‌های اولیه که پایه امنیت شکل می‌گیرد، می‌تواند پیامدهای عمیق‌تری داشته باشد. در دوره‌های بعدی نیز رخداد‌های مزمن، به‌ویژه اگر با فقدان منابع حمایتی همراه باشد، اثر تجمعی دارد.

۳- حمایت اجتماعی و حضور یک بزرگسال حامی

وجود یک بزرگسال حامی مانند مادر بزرگ، معلم، مربی یا مشاور مدرسه می‌تواند اثر رفتارهای نامتعارف را تعدیل کند. کودک وقتی دست‌کم یک رابطه امن و قابل اتکا داشته

باشد، شانس بیشتری برای تاب‌آوری پیدا می‌کند. این رابطه حامی می‌تواند به کودک کمک کند هیجان‌ها را معنا کند و تصویر مثبت‌تری از خود بسازد.

۴- وضعیت اقتصادی اجتماعی و فشارهای محیطی

فشار اقتصادی می‌تواند تعارض‌های خانوادگی و فرسودگی والدینی را افزایش دهد، اما به تنهایی علت رفتار نامتعارف نیست. خانواده‌هایی با منابع کم، اگر حمایت و آموزش دریافت کنند، می‌توانند روابط گرم و ایمن بسازند. در مقابل، خانواده‌های برخوردار نیز ممکن است به دلیل کمال‌گرایی، رقابت شدید یا غیبت هیجانی والدین، رفتارهای نامتعارف دیگری نشان دهند.

بخش هشتم: بحث و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی تبیینی

رفتارهای نامتعارف والدین از طریق چند مسیر همزمان بر ساختار روانی کودک اثر می‌گذارند. نخست، امنیت رابطه‌ای را تضعیف می‌کنند و الگوهای دلبستگی ناایمن را شکل می‌دهند. دوم، ظرفیت تنظیم هیجان را محدود می‌سازند و راهبردهای ناسازگارانه را تقویت می‌کنند. سوم، خودپنداره و عزت نفس را با پیام‌های تحقیرآمیز یا شرطی شدن محبت تخریب می‌کنند. چهارم، کارکردهای اجرایی و خودکنترلی را تحت فشار مزمن استرس و نبود ساختار حمایتی دچار اختلال می‌نمایند. نتیجه این فرایندها می‌تواند طیفی از علائم درون‌ریزی و برون‌ریزی باشد که از اضطراب و افسردگی تا پرخاشگری و مشکلات رفتاری را دربر می‌گیرد.

الگوی مفهومی پیشنهادی

می‌توان یک الگوی مفهومی ساده اما جامع ارائه کرد. رفتار نامتعارف والدین در سطح تعامل روزمره رخ می‌دهد و از طریق کاهش امنیت هیجانی، افزایش برانگیختگی استرس، و تضعیف یادگیری تنظیم هیجان، به شکل‌گیری باورهای هسته‌ای منفی و سبک‌های مقابله ناسازگارانه می‌انجامد. این پیامدها با عوامل تعدیل‌گر مانند خلق‌وخو، حمایت اجتماعی و فشار اقتصادی تقویت یا تضعیف می‌شوند. در نهایت، خروجی در قالب علائم روان‌شناختی، مشکلات تحصیلی و چالش‌های رابطه‌ای ظاهر می‌گردد. نکته کلیدی آن است که مداخله می‌تواند در هر حلقه از این زنجیره وارد شود، اما مؤثرترین نقطه معمولاً بهبود کیفیت تعامل والد کودک و افزایش حساسیت والدینی است.

دلالت‌های کاربردی برای پیشگیری و مداخله

برای پیشگیری، آموزش والدگری مبتنی بر مهارت‌های تنظیم هیجان والد، ارتباط همدلانه، و انضباط مثبت ضروری است. بسیاری از رفتارهای نامتعارف از ناتوانی والد در مدیریت خشم یا اضطراب ناشی می‌شود، نه از قصد آسیب. بنابراین مداخلات باید به سلامت روان والد نیز توجه کنند. در سطح مدرسه، آموزش معلمان برای شناسایی نشانه‌های تنش خانوادگی و ارجاع به مشاور می‌تواند نقش حفاظتی داشته باشد. در سطح خدمات بالینی، درمان‌های مبتنی بر دلبستگی، آموزش تعامل والد کودک، و مداخلات شناختی رفتاری برای اصلاح باورهای منفی کودک می‌تواند اثربخش باشد.

بخش نهم: محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی

محدودیت‌های مفهومی و اندازه‌گیری

یکی از محدودیت‌ها دشواری تعریف دقیق «نامتعارف» در بافت‌های فرهنگی متنوع است. همچنین ابزارهای خودگزارشی والدین ممکن است سوگیری مطلوبیت اجتماعی داشته باشد. برخی کودکان نیز به دلیل ترس یا وفاداری خانوادگی، تجربه خود را پنهان می‌کنند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

پژوهش‌های آینده می‌توانند به مطالعات طولی توجه کنند تا اثرهای انباشتی و زمان‌مند روشن‌تر شود. همچنین بررسی نقش فناوری و فضای مجازی در کنترل‌گری والدین، یا نقش فرسودگی والدینی پس از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، حوزه‌های مهمی برای مطالعه هستند. در سطح کاربردی، ارزیابی اثربخشی برنامه‌های آموزش والدگری در فرهنگ‌های مختلف و طراحی مداخلات کم‌هزینه برای خانواده‌های در معرض فشار نیز ضروری است.

منابع و مآخذ

- آیزورث، مری دی سالتر و همکاران. ۱۹۷۸. الگوهای دلبستگی مطالعه روان‌شناختی موقعیت ناآشنا. هیلزویل انتشارات ارلبام.
- باندورا، آلبرت. ۱۹۷۷. نظریه یادگیری اجتماعی. انگلوود کلیفس انتشارات پرنیس هال.
- باومریند، دیانا. ۱۹۶۷. مراقبت کودک و الگوهای اقتدار والدینی. مجله رشد کودک جلد ۳۷ شماره ۴ صفحات ۸۸۷ تا ۹۰۷.
- برونفبرنر، یوری. ۱۹۷۹. بوم‌شناسی رشد انسان. کمبریج انتشارات دانشگاه هاروارد.
- برک، لورا. ۲۰۱۳. روان‌شناسی رشد. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران انتشارات ارسباران.
- بولبی، جان. ۱۹۶۹. دلبستگی و فقدان جلد یک دلبستگی. نیویورک انتشارات بیسیک بوکس.
- بولبی، جان. ۱۹۸۸. پایگاه امن کاربردهای بالینی نظریه دلبستگی. لندن انتشارات راتلج.
- چاپمن، گری و کمپبل، راس. ۱۹۹۷. پنج زبان عشق کودکان. ترجمه بهروز قاسمی. تهران انتشارات دایره.
- دوج، کنت و پتیت، گرگ. ۲۰۰۳. مدل پردازش اطلاعات اجتماعی برای رفتار پرخاشگرانه. در کتاب راهنمای پرخاشگری. نیویورک انتشارات گیلفورد.
- دورلک، جوزف و همکاران. ۲۰۱۱. اثر برنامه‌های یادگیری اجتماعی هیجانی در مدرسه فراتحلیل. رشد کودک جلد ۸۲ شماره ۱ صفحات ۴۰۵ تا ۴۳۲.

گرسووف، الیزابت و گروفگان، اندرو. ۲۰۱۳. تنبیه بدنی و پیامدهای کودک فراتحلیل و مرور.

مجله روان‌شناسی خانواده جلد ۲۷ شماره ۱ صفحات ۸۷ تا ۹۶.

هوفمن، مارتین. ۲۰۰۰. رشد همدلی و اخلاق. کمبریج انتشارات دانشگاه کمبریج.

هانت، جان و همکاران. ۲۰۱۷. بدرفتاری هیجانی و پیامدهای سلامت روان در کودکان مرور

نظام‌مند. مجله روان‌شناسی کودک و روان‌پزشکی جلد ۵۸ شماره ۴ صفحات ۳۳۵ تا ۳۵۱.

کازدین، آلن. ۲۰۰۵. درمان مشکلات رفتاری کودکان راهنمای والدین و درمانگران.

نیویورک انتشارات گیلفورد.

کرک، استوارت و همکاران. ۲۰۱۳. راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی ویرایش

پنجم. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران انتشارات روان.

مک‌لافلین، کیتی و همکاران. ۲۰۱۴. بدرفتاری دوران کودکی و اختلال در تنظیم هیجان و

روان‌آسیب‌شناسی. مجله روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان جلد ۴۳ شماره ۴ صفحات ۴۵۳

تا ۴۶۷.

مینوشین، سالوادور. ۱۹۷۴. خانواده‌ها و خانواده‌درمانی. کمبریج انتشارات دانشگاه هاروارد.

پترسون، جرالده. ۱۹۸۲. نظریه اجبار و رشد رفتار ضد اجتماعی در خانواده. یوجین انتشارات

کسترن.

سلیگمن، مارتین. ۱۹۹۱. درماندگی آموخته‌شده. نیویورک انتشارات فریمن.

شافر، دیوید. ۲۰۱۴. روان‌شناسی رشد کودکی و نوجوانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران انتشارات ارسباران.

صدقی، افسانه و همکاران. ۱۳۹۶. رابطه سبک‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری کودکان دبستانی. مجله روان‌شناسی مدرسه سال ۶ شماره ۲ صفحات ۶۵ تا ۸۸.

فرهادی، مهدی و همکاران. ۱۳۹۸. نقش تعارض زناشویی در اضطراب کودکان با میانجی‌گری امنیت هیجانی. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی خانواده سال ۵ شماره ۱ صفحات ۱۱ تا ۳۲.

کریمی، یوسف. ۱۳۹۹. روان‌شناسی تربیتی. تهران انتشارات ویرایش.

واترز، اورت و همکاران. ۲۰۰۰. دلبستگی از کودکی تا بزرگسالی متاآنالیز پیوستگی. بولتن روان‌شناختی جلد ۱۲۶ شماره ۱ صفحات ۱۰۹ تا ۱۳۹.

واینفیلد، بروس و همکاران. ۲۰۰۴. مسیرهای رشد تاب‌آوری در کودکان در معرض خطر. مجله پژوهش نوجوانی جلد ۱۴ شماره ۱ صفحات ۱ تا ۲۷.

یحیی‌زاده، نرگس و همکاران. ۱۴۰۰. بدرفتاری هیجانی والدین و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان. مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی سال ۱۲ شماره ۳ صفحات ۹۱ تا ۱۱۲.